

# زوایای پنهان از قتل های عنکبوتی

## «انتقام جویی» انگیزه اصلی سعید حنایی از قتل های سریالی زنان خیابانی بود



سعید خلیل سجاد پور - خبرنگار پیشگام خراسان

**آقای «سجاد پور» طبق اخبار چاپ شده، روز نامه خراسان برای اولین بار قتل های زنان خیابانی معروف به «قتل های عنکبوتی» را فاش کرد، قصه از کجا آغاز شد؟** واقعیت این است که آن زمان نه تنها ما، بلکه هیچ کس فکر نمی کرد که با قتل های سریالی روبه روبرو شده ایم. اگر قتلی شب رخ می داد یا جسدی شب هنگام کشف می شد خبر آن تقریباً سه روز بعد در روز نامه به چاپ می رسید. چون روز بعد از کشف جسد، خبر تنظیم و به دستگاه چاپ سپرده می شد و مخاطبان روز بعد از آن از خبر مطلع می شدند. به همین دلیل هم اولین قربانیان، «سعید حنایی» که اجساد آنان در جاده فرعی و مرز عه گوجه فرنگی منطقه خین عرب در حاشیه شهر کشف شد روز چهارشنبه دوازدهم مرداد درج شد اما یکی از آن اجساد درون تکه ای مویکت قرار داشت و در دیگری «چادر سیاه» به دور جسد پیچیده شده بود. هر کدام نیز در یک محله افتاده بود. از سوی دیگر هر رسیدگی قضایی

جسد اول به عهده قضای حجت الاسلام محمد علی افتخاری (رئیس شعبه ۴۲ دادگاه عمومی) بود و پرونده جسد دیگر را قاضی نوذر شریف (رئیس شعبه ۳۷ دادگاه عمومی مشهد) رسیدگی می کرد که از پرونده های یکدیگر بی خبر بودند چون هنوز قاضی ویژه قتل عمد در دستگاه قضایی وجود

نداشت و قاضی کشیک هر روز دادگستری، رسیدگی به پرونده های قتل را هم به عهده می گرفت. حتی زمانی که سومین جنایت نیز رخ داد هیچ کس به موضوع مشکوک نشد چرا که این بار قاتل جسد اردون ۴ کیسه گونی زرد رنگ گذاشته و آن را در خیابان بزرگمهر (مرفه نشین ترین منطقه مشهد) و آن هم در روز روشن (ساعت ۳ بعد از ظهر) رها کرده بود. این پرونده جنایی را هم قاضی مهدی معینی (رئیس شعبه ۴۱ دادگاه عمومی) رسیدگی می کرد و هنوز دادسرا احیا نشده بود.



**فرضیه دیگری هم نیز که تا آن زمان قتل های زنان را کم اهمیت جلوه می داد سوابق اعتیاد و روابط نامشروع مقتولان بود که دو جسد در حاشیه شهر رها شده بود و این فرضیه قوت می گرفت که در پاتوق های مواد مخدر در گیر شده باشند یا به دلیل تزییق هروئین و سوء مصرف مواد جان خود را از دست داده اند که اهالی پاتوق یا صاحبان منازل به دلیل ترس از دستگیری، اجساد را در حاشیه شهر انداخته اند که برخی از همین قتل ها در زمان قتل های عنکبوتی هم رخ داد.**

از طرف دیگر نیز پس از آن که اولین اخبار کشف اجساد، مانند خبر های عادی در روز نامه خراسان درج شد تا چند ماه بعد هیچ حادثه مشابهی رخ نداد و پرونده های قتل هم که توسط ۳ قاضی به طور جداگانه در حال رسیدگی بوده فراموشی رسانه ای رسید تا جایی که قاضی افتخاری رای دادگاه را نیز در باره قتل اول صادر کرد و طبق این رای دیه مقتوله باید از بیت المال پرداخت می شد اما پرونده تا زمان شناسایی و دستگیری عامل یا عاملان این جنایت مفتوح بود. بدین ترتیب نام «روز نامه خراسان» به عنوان افشا کننده قتل های عنکبوتی در تاریخ ثبت شد.

**پس چه زمانی «قتل های عنکبوتی» رنگ سریالی به خود گرفت؟**

ببینید ماجرای قتل های مذکور به ۳ دوره یا شاید هم ۴ دوره تقسیم می شود. مرحله اول ۳ قتل با ماجراهای متفاوت بود که در فاصله چند روز در مرداد سال ۷۹ رخ داد و بعد خاموش شد اما مرحله دیگر از دی سال ۷۹ دوباره شکل گرفت و تا روز های آخر اسفند ادامه یافت البته در این میان اجساد مشابهی نیز در حاشیه شهر کشف شد که بعد از دستگیری عاملان آن مشخص شد جزو قتل های عنکبوتی نبود مانند جسد زن ۴۵ ساله ای که در انتهای بولوار بهارستان درون چادر سیاه کشف شد که روسری نیز دور گردنش پیچیده شده

بود. از همین قتل که به ششمین جسد معروف شد این جنایت ها رنگ سریالی به خود گرفت. چرا که بعد از کشف چهارمین جسد که در کوچه ای فرعی بین جاده قدیم و جدید قوچان رها شده بود، مر حوم قاضی غلامر ضامنصوری (قاضی وقت شعبه ۵۳ دادگاه عمومی مشهد) به عنوان قاضی کشیک رسیدگی به پرونده را به عهده داشت که بعد از وقوع پنجمین قتل دیگر به سمت قاضی ویژه قتل عمد انتخاب شد. نوزدهم اسفند بعد از کشف جسد ششمین قتل، گفت و گویی با قاضی منصوری انجام دادم که او با تاکید بر سریالی بودن قتل های زنان خیابانی به خبر تلخ دیگری هم اشاره کرد که شاید جدی گرفته نشد.

وی در این مصاحبه که بیستم اسفند باتیتر «کیپ ویژه ای برای بررسی قتل چند زن در مشهد تشکیل شد» مقابل دیدگان مخاطبان بی شمار خراسان قرار گرفت، ادعا کرد «در چند ماه گذشته حدود ۶ قتل با شیوه و شگرد یکسان در مشهد رخ داده است این در حالی است که سال قبل هم موارد مشابهی گزارش شده که هنوز عامل یا عاملان این جنایت ها شناسایی نشده اند!»

خلاصه در دوره دوم قتل ها که گویی پس از چند ماه تردید یا بر نامه خاص عاملان جنایت ها آغاز شده بود حدود ۵ قتل

دیگر اتفاق افتاد و بدین ترتیب پلیس و دستگاه قضایی مقابل قتل هایی پیچیده قرار گرفتند که هیچ کس و به هیچ وجه تصور نمی کرد این جنایت ها را یک نفر انجام دهد. همه مسئولان و کارآگاهان متفق القول بودند که بایک باند مخوف طرف هستند یا در پس این جنایت ها ماجرای ماندن قتل های زنجیره ای وزارت اطلاعات نهفته است یا افراد ذی نفوذ و صاحب قدرت و موقعیت اجتماعی دست به چنین اعمالی می زنند به همین دلیل گروه های ویژه ای را گاهی مشهد با بهره گیری از همه توان پلیسی و امکانات ستی این زمان مامور رسیدگی به پرونده قتل های عنکبوتی شدند. دوره سوم این قتل ها نیز از فروردین تا اوایل مرداد سال ۸۰ رقم خورد که دیگر جو وحشتناکی در شهر ایجاد شده بود و مصاحبه ها و تحلیل های گوناگون رسانه ها، مدیران، نمایندگان مجلس و افراد مشهور فشار عجیبی را به نیروی انتظامی و دستگاه قضایی وارد کرده بود. ماجرای قتل زنان خیابانی، دهان به دهان می چرخید و این گونه زن ها باتر س و وحشت از خانه بیرون می آمدند. مرحله چهارم

نیز به ماجراهای شخصیتی، انگیزه و محاکمه «سعید حنایی» مربوط می شود که جای بحث زیادی دارد.

**روز نامه خراسان نام «قتل های عنکبوتی» را روی این پرونده گذاشت که بعد هم دیگر رسانه ها به ناچار همین عنوان را استفاده کردند به طوری که این لقب، به صورت بین المللی در تاریخ ثبت شد، چه شد که این نام را انتخاب کردید؟**

سوال خوبی است چون برخی فقط عنوان می کنند که رسانه ها نام قتل های عنکبوتی را بر این پرونده گذاشتند و متأسفانه نه تنها نامی از خراسان نمی برند بلکه تلاش می کنند به نوعی نام گذاری قتل های عنکبوتی را برای خودشان به ثبت برسانند. واقعیت ما را این است که آن زمان هنوز زوایا و ابعاد این جنایت های هولناک مشخص نبود و همان طور که گفتم تا وقوع ششمین قتل هنوز سریالی بودن آن هم جدی گرفته نمی شد. در تعطیلات نوروز سال ۱۵۰۸ قتل عمدی در مشهد رخ داد که ۳ قتل به شیوه و شکل قتل های زنان خیابانی بود این ۳ جسد در آخرین روز های تعطیلات یعنی ۱۲، ۱۴ و ۱۵ فروردین در حالی کشف شدند که روز های تعطیل تا سواغوا عاشور انیز سبزی شده بود به همین دلیل من در صفحه حوادث هجدهم فروردین خبر را با این عنوان نوشتم که «زن دیگر به شیوه رموز به قتل رسیدند» اما از روز بعد تصمیم گرفت نامی برای این پرونده انتخاب کنم که بعدها اخبار آن را با همین نام چاپ کنیم چرا که این عناوین بیشتر موجب تمرکز مخاطب و جذب آن ها می شد مانند اخبار پرونده «کرکس سیاه» که قبل از آن روی پرونده عامل اغفال کود کان گذاشته بودم! خلاصه پس از حدود ۲ ساعت تفکر رسانه ای بالاخره چندین عنوان باتوجه به نوع قتل ها انتخاب کردم که از جمله آن ها «قتل های پاپیونی» بود چون قاتل یا قاتلان، روسری و چادری که اجساد درون آن قرار داشت به شکل پاپیون گره می زدند و نام های دیگر

مصطفی میر جانبان - ماجرای قتل های عنکبوتی که در سال ۷۹ تا ۸۰ در مشهد اتفاق افتاد یکی از مهم ترین پرونده های جنایی و خبر ساز طی ۲ دهه اخیر است که با گذشت ۲۲ سال از آن هنوز هم منشأ تحولات و بحث های جدی است. پس از ساخت چند فیلم سینمایی درباره این قتل ها و به ویژه ساخت فیلم موهن عنکبوت مقدس، روز نامه خراسان بر آن شد تا به عنوان اولین رسانه ای که ۲۲ سال قبل ماجرای قتل های عنکبوتی را فاش کرد ناگفته ها و ابعاد جدیدی از این قتل ها را در گفت و گو با سعید خلیل سجاد پور خبرنگار پیشگام سکوت خود که از اولین روز های این قتل ها از نزدیک ماجرا را پیگیری کرده به مخاطبان ارائه کند.

مانند «قتل های سیاه» (چون اجساد درون چادر سیاه بودند) قتل های ایکس (یعنی قتل های ناشناخته) و غیره که قتل های عنکبوتی» هم جزو آن ها بود به دلیل این که عامل یا عاملان جنایت ها مانند عنکبوت تور سیاه پهن می کر دند تا قربانیان خود را به دام بینند از ندو جسد را در همان تور هم را می کردند که البته بعد از دستگیری قاتل مشخص شدن نام بی مسمایی هم انتخاب نکرده بودم و بدین ترتیب با همین عنوان ادامه دادم البته من همواره برای انتخاب عناوینی که روی پرونده های مهم قضایی و پلیسی می گذارم با همکارانم در تحریریه مشورت می کنم آن روز هم بسیاری از همکاران از میان اسامی مذکور به «قتل های عنکبوتی» رای دادند و این گونه خبر های قتل سریالی زنان خیابانی را با همین عنوان ادامه دادم.

**برخی از خبرنگاران بعد از تولید فیلم های عنکبوت و عنکبوت مقدس، طوری وانمود می کنند که فقط آنان این قتل ها را دنبال کرده اند و حتی مدعی هستند که به دلیل حضور سریع در صحنه های جرم، پلیس به آنان مظنون شده است؟**

این حرف ها برای خودنمایی بیان می شود، با کدام سند و مدرک چنین سخنان بیبوهه ای را باز گو می کنند، به کدام مقرر انتظامی احضار شده اند، چه کسی به آن ها گفته که تو مظنون مابودی؟

یاد در کدامین خبری که در روز نامه چاپ شده است خودت را اولین نفر معرفی کرده ای که در صحنه رها کردن جسد حضور داشت. این حرف ها از زش پاسخ گویی ندارد. حقیقت ماجرا این است که روز نامه های تهران بعد از انتشار یازدهمین قتل در روز نامه خراسان متوجه ماجرا شدند که با درج دوازدهمین قتل در بولوار خیام به طور خیلی جدی این اخبار را دنبال کردند و به این دلیل هم از هجدهم فروردین به بعد، جو کشور تحت تاثیر اخبار قتل های عنکبوتی مشهد قرار گرفت تا جایی که حتی در شورای عالی امنیت ملی کشور هم ستاد ویژه تشکیل شد. ولی این که روز نامه خراسان به دلیل تاثیر گذاری خبری، کم نظیر بود باید به یکی از همین ماجراهای حضور در صحنه های جنایت اشاره کنم. ظهر دوازدهم اردیبهشت قتل مشابهی در بولوار امامت مشهد رخ داد. در حالی که بسیاری از روز نامه ها آن را سیزدهمین قتل عنکبوتی نامیدند اما من که در صحنه حادثه حضور داشتم فقط خبر قتل را چاپ کردم ولی خیلی زود مرد فراری که بعد از این جنایت تحت تعقیب قرار گرفته بود با تلاش گسترده پلیس در تهران دستگیری شد.

خبرنگار حوادث دفتر تهران به نقل از رئیس وقت آگاهی مرکز، خبری را به روز نامه را سال کرد که «عامل یکی از قتل های عنکبوتی در تهران دستگیری شد، چاره ای

جز درج خبر نداشتیم چون مصاحبه یک مقام مسئول بودو همه افسران خیلی خوشحال بودند که احتمال دار دو به قتل های دیگر هم اعتراف کند اما در زیر همان خبر که در تاریخ شانزدهم اردیبهشت سال ۸۰ در صفحه حوادث چاپ شد من هم اضافه کردم سجاد پور خبرنگار خراسان که بلافاصله پس از اعلام خبر قتل این زن در محل جنایت حضور یافته بود، می نویسد: آثار کبودی ظریفی روی گردن مقتوله وجود داشت اما نحوه ارتکاب قتل و جزئیات نظرات کارشناسی در محل حکایت از آن دارد که این زن قربانی قتل های عنکبوتی نشده است! حالا وقتی خبرنگاری چنین ادعایی را مطرح می کند باید با ذکر تاریخ و عنوان خبر بیان کند که قابل راستی آزمایی است! البته تا به این که بسیاری از خبرنگاران بعد از فروردین ۸۰ این قتل ها را پیگیری می کردند اما بعد از دستگیری قاتل، حضور آن ها در مشهد پررنگ تر شد و در جلسات دادگاه علنی شرکت می کردند با قاتل و خانواده او و مصاحبه داشتند که من هیچ گاه به سوی خانواده قاتل نرفتم چرا که آن را کار درستی نمی دانستم!

**شما که در جلسات بازجویی از «عامل قتل های عنکبوتی» حضور داشتید و از نزدیک این پرونده را دنبال می کردید انگیزه اصلی او از این جنایت ها چه بود؟** «حنایی» فردی بسیار پر خاشگر و ماجراجو بود که با انگیزه انتقام از رانندگان مسافر کش وارد این ماجرا شد. پر خاشگری های او به حدی بود که حتی سابقه کفبری به جرم «زاع» داشت و همین موضوع نیروی انتظامی را زیر تیغ انتقاد ای بر رحمانه قرار داد که چرا دستگیری فردی سابقه دار یک سال طول کشیده است! اما همان گونه که گفتم شرایط به گونه دیگری بود.

عامل «قتل های عنکبوتی» بعد از دستگیری گفت: وقتی همسرم با تاخیر زیاد به خانه بازگشت عصبانی شدم و از او در باره علت تاخیرش پرسیدم که او از ماجرای تعرض یک

## قسمت اول اختصاصی خراسان

سعید خلیل سجاد پور روایتی عجیب و ناگفته از زوایای پنهان این قتل ها را که تا کنون در جایی بیان نشده در حالی باز گو می کند که هنوز بسیاری از ابعاد پیچیده و حقایق پشت پرده این پرونده برای افکار عمومی بیان نشده است. نکاتی که با گذشت این سال ها هنوز هم مورد بهره برداری ها و اغراض سیاسی قرار می گیرد. در این گفت و گوی جذاب و نفس گیر با طرح سوالاتی از ابعاد پنهان این ماجرا به واکاوی قتل های عنکبوتی از زبان خبرنگاری پرداخته ایم که آن زمان در متن این ماجرا حضور داشت و اخباری را که تا کنون محرمانه مانده بود رسانه ای می کند. این گفت و گو امروز و در چند شماره آینده تقدیم شما مخاطبان ارزشمند خراسان می شود.

راندنده مسافر کش پرده برداشت! به همین دلیل او ابتدا به کلانتری رفته و از یک راننده ناشناس پیکان شکایت کرده بود اما چون هیچ دلیل محکم و مستندی نداشت و از سوی دیگر هم نتوانست مشخصاتی از راننده متعرض به پلیس ارائه دهد، این پرونده جدی نگرفته نشد.

حنایی هم که زنش مورد تعرض قرار گرفته بود و بسیار عصبانی و آشفته بود ساعتی بعد از دستگیری در خانه امن پلیس به افسران ویژه این پرونده گفت، ابتدا تصمیم گرفتم تا رانندگان مسافر کش را به قتل برسانم ولی بعد از مدتی از این تصمیم منصرف شدم چرا که با خود فکر می کردم چند تا از این راننده ها را باید بکشم! تعداد آن ها خیلی زیاد است. این بود که تصمیم خود را به قتل زنان خیابانی تغییر دادم تا با کشتن آن ها انتقام جویی کنم! حنایی معتقد بود اگر این



زن ها در حاشیه خیابان ها جولان ندهند، رانندگان هم به هر زن مسافر به چشم زن بدکاره نگاه نمی کنند! این بود که فقط برای «انتقام» آدم کشی به راه انداخت. از سوی دیگر هم حنایی آغاز مر حله دوم قتل ها در زمستان سال ۸۰ را نیز فقط به دلیل خودبزرگ بینی و خودنمایی عنوان کرد و گفت: وقتی می دیدم دیگران و مردم به قتل این زن ها توجه زیادی دارند من هم ترغیب شدم تا دوباره کشتن این زن ها را شروع کنم چرا که بعد از قتل ۳ زن دچار تردید بودم. او در یکی از جلسات دادگاه با سخن عجیبی را بر زبان راند و در آخرین دفاعیات خود گفت: «هر وقت زن فاسدی رامی دیدم جنون آتی به من دست می داد و تنها زمانی که او را می کشتم آرام می شد» که (افرادی مهاجم و پر خاشگر می باشد که مدت به راحتی کشتن ۱۶ سوسک بود)!

از طرف دیگر هم حنایی طبق مستندات پزشکی قانونی، دارای شخصیتی ضد اجتماعی، پر خاشگر و بدون عاطفه است و نمی توان به او نسبت جنون داد. این مطالب در یکی از جلسات محاکمه وی توسط مر حوم دکتر تلافیان و دکتر آریاحجاری (مدیر کل پزشکی قانونی خراسان رضوی) بیان شد که در صفحه حوادث

**سجاد پور خبرنگار خراسان که بلافاصله پس از اعلام خبر قتل این زن در محل جنایت حضور یافته بود، می نویسد: آثار کبودی ظریفی روی گردن مقتوله وجود داشت اما نحوه ارتکاب قتل و جزئیات نظرات کارشناسی در محل حکایت از آن دارد که این زن قربانی قتل های عنکبوتی نشده است!**

نوزدهم مهر سال ۸۰ روز نامه خراسان به چاپ رسیده است. البته پزشک قانونی در این جلسه دادگاه به دو بار فرار او از بیمارستان روان پزشکی هم اشاره کرد و گفت: «حنایی» در سال های ۵۹ و ۶۰ در بیمارستان ابن سینا بستری شده که هر دو بار نیز از آن جافرار کرده است و در بر که پذیرش بیمار تاکید شده که (افرادی مهاجم و پر خاشگر می باشد که مدت کوتاهی تحت درمان بود)!

ماجرای دیگری که حنایی را به سوی انتقامی هولناک کشاند این بود که او با جعل کارت سیسج، بعد از حادثه تعرض به همسرش، شمار هلاک خودروهایی که زن آن خیابانی را سوار می کردند در یک فهرست یادداشت می کرد یا خودش برخی دختران و پسران را به کلانتری تحویل می داد که مجازات شوند ولی وقتی می دید آن ها زودتر از خودش از کلانتری بیرون می آمدند، بسیار عصبانی می شد و احساس حقارت می کرد که این موضوع نیز یکی از دلایل اقدام به انتقام جویی بود. او حتی کارت امر به معروف و نهی از منکر را هم طبق ادعاهای خودش در جلسه علنی دادگاه جعل کرده بود تا با استفاده از آن مانع کار رانندگان مسافر کش شود. به همین دلیل فردی پر خاشگر، ضد اجتماعی و ماجراجو را دو حادثه هولناک «انتقام» شده بود. (ادامه گفت و گو در شماره آینده)



## ماجرای آخرین سرفت!

وقتی شنیدم همسرم باردار شده است از خوشحالی در پوست خودم نمی گنجیدم، تصمیم گرفتم دیگر سرفت را کنار بگذارم و راه درست زندگی را انتخاب کنم اما باز و سوسه شدم و با خودم فکر کردم امشب برای آخرین بار سرفت می کنم و از فردا دیگر هیچ گاه به دنبال زدی نمی روم ولی...

به گزارش خراسان، این ها بخشی از اظهارات جوان ۳۰ ساله ای است که با تلاش ماموران کلانتری آیکوه مشهد و در یک عملیات ضربتی هنگام دستبرد به یک خودرو و دستگیر شد. این جوان در حالی که بیان می کرد هیچ زدی مانند من بدشانس نیست در باره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری گفت: پدرم سرایدار یکی از مدارس مشهد بود اما همواره با مادرم اختلاف داشت و من تنها شاهد درگیری و کتک کاری آن ها بودم. خلاصه کار به جایی رسید که آن ها از یکدیگر جدا شدند. آن زمان من ۹ سال بیشتر نداشتم و معنی کلمه خیانت را نمی فهمیدم اما پدرم مدام تا کید می کرد که مادرت زنی خیانتکار است. به همین دلیل من هیچ گاه حق ملاقات با مادرم را نداشتم. چند ماه بعد پدرم با زن دیگری ازدواج کرد و من و خواهر کوچکم در کنار نامادری به زندگی ادامه دادیم اما نامادری ام همواره ما را تحقیر می کرد و گاهی جملات توهین آمیز به کار می برد. هر بار از رفتار های خواهر کوچک ترم عصبانی می شد فریادم می زد تو هم مانند مادر ت هرزه هستی! وقتی این ها تمام شد من شنیدم دوست داشتم به او حمله کنم اما می دانستم شب کتک مفصلی از پدرم می خورم به همین دلیل از خانه بیرون می رفتم و در پارک با دوستان بزرگ تر از خودم معاشرت می کردم. ۱۱ سال بیشتر نداشتم که با تعارف دوستانم مصرف سیگار و بعد هم مواد مخدر صنعتی را شروع کردم اما برای تهیه مواد مخدر چاره ای جز سرفت نداشتم در این هنگام لوازمی را از دفتر مدرسه زدیدم که پدرم متوجه ماجرا شد و مرا از خانه بیرون انداخت. از آن روز به بعد ترک تحصیل کردم و آواره کوچه و خیابان شدم. دیگر به پاتوق خلافکاران رفت و آمد داشتم و با افراد بزرگ تر از خود نشست و برخاست می کردم تا این که برای اولین بار در ۲۰ سالگی به جرم حمل مقداری مواد مخدر دستگیر شدم و برای شش ماه به زندان رفتم بعد از آزادی از زندان تصمیم گرفتم هزینه های اعتماد به سرفت روی آوردم. با دو نفر از خلافکاران پاتوقی که در باز کردن در خودروها مهارت خاصی داشتند همراه شدم و به راحتی اموال و قطعات داخل خودروها را سرفت می کردم در همین زمان باز هم دستگیر شدم به مدت ۲ سال تحمل کیفر کردم وقتی این بار از زندان آزاد شدم با خود عهد کردم که دیگر دور خلاف را خط بکشم تا جوانی ام را پشت میله های زندان نگذرانم ولی با گذر دوستانم خلاصه به سراغم آمدند و با سوسه های شیطانی دوباره مسیر سرفت را در پیش گرفتم. اما به خودم قول دادم که فقط به انداز مخارج از دواجم سرفت کنم چرا که در همین روز ها عاشق یکی از بستگان دور پدرم شده بودم او هم مرا دوست داشت و خیلی زیر کانه به من ابراز علاقه می کرد و دخترکی بود اما نمی دانستم با یک درد از دواجم می کند شهنین فقط از اعتیاد خبر داشت که آن را هم جدی نمی گرفت چرا که پدر و مادر خودش نیز معتاد بودند و او دوست داشت هر چه زودتر از دواجم کند.

بالاخره بدون توجه به حرف های دیگران من و شهنین در حالی از دواجم کر دیم که من به او قول دادم اعتماد را ترک خواهم کرد ولی خود می دانستم که قول یک آدم معتاد هیچ اعتباری ندارد! البته همین طور شد و من به مصرف مواد ادامه دادم حالا دیگر بیکار هم بودم و باید مخارج زندگی را نیز تأمین می کردم بنابراین دوباره سرفت از خودروها را ادامه دادم چرا که همسرم کم نمی شد و هزینه های درمان نیز بر دوشم سنگینی می کرد از سوی دیگر دوست داشتم فرزندی داشته باشم تا شاید به خاطر او دست از دواجم بکنم و پدرم را از دست بدارم. خلاصه روز ها را تا بعد از ظهر می خوریدم و سپس تا نیمه شب با دوستانم مواد مخدر مصرف می کردم و از اوایل با ماد را برای سرفت از خودروها بیرون می رفتم. یکی از دوستانم که از سارقان حرفه ای بود سر کردگی با من را به عهده داشت من هم با او در زندان آشنا شده بودم و می دانستم او تیر خاصی در باز کردن در خودروها دارد. همچنان به سرفت ادامه می دادم تا این که حدود یک هفته قبل ازمایش پزشکی مشخص کرد که همسرم یک ماهه باردار است خیلی خوشحال شده بودم و به قول معروف یکسک خروسم می خواند. حالا دیگر به طور جدی تصمیم گرفتم از دوستانم فاصله بگیرم و سرفت را کنار بگذارم اما باز هم و سوسه های شیطانی به سراغم آمد با خودم گفتم فقط امشب را که به دوستانم قول داده ام برای سرفت بیرون می روم و از فردا دیگر برای همیشه دستبرد به اموال مردم را کنار می گذارم اما همان شب هنگامی که مشغول سرفت داخل یک پراید بودیم ناگهان در محاصره ماموران انتظامی قرار گرفتیم و دستگیر شدیم...

گزارش خراسان حاکی است با دستورات ویژه سرهنگ ابراهیم خواجه پور (رئیس کلانتری آیکوه مشهد) کنکاش های پلیس در باره سرفت های اعضای ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی